

شکر الهی با نگاهی به آیات و روایات

حمیده سلیم پور^۱

چکیده

شکر، تشکر و قدردانی از منعم و سپاس‌گزاری و قدرشناسی از اوست. انسان باید نسبت نعمت و نعمت دهنده را بداند و از اینکه مشمول نعمت اوست شادمان شود و به مقتضای این شادمانی عمل نماید و نهایت شکر و سپاس را به پیشگاه معبودش عرضه نماید. اما آدمی را توان سپاس‌گزاری از نعمات خدا نیست چرا که خدا منبع تمام نعمات و خوبی‌هاست، اما مخلوق با توان محدود خود نمی‌تواند آن گونه که شایسته است شکر تمام این نعمات را به جا آورد؛ اما باید به حکم بندگی در برابر خالق خود سرتعظیم فرود آورد و تک تک نعمات الهی سپاس‌گزاری کند. نتیجه‌ای که می‌توان از این پژوهش که به روش نقلی و حیانی و با ابزار کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است، گرفت این است که شکرگزاری یک امر فطری است که خداوند در وجود مخلوقات خصوصاً انسان به ودیعه نهاده تا از این طریق مسیر کمال را طی کرده و به معرفت الهی دست یابد و لازمه داشتن روحیه شکرگزاری اذعان و اقرار به فقر ذاتی خود است. آنچه از تعلیم‌دینی به دست آمده می‌رساند شکر نعمت در هر مرتبه زبانی، قلبی و عملی در شناخت منعم و نعمت‌ها و استفاده صحیح از آن‌ها انجام وظایف، پرهیز از اسراف و غنای طبع از مواهبی است که مسیر عبودیت را هموار می‌سازد.

کلید واژه‌ها: حمد، سپاس‌گزاری، شکر، نعمت‌های الهی، منعم.

۱. طلبه سطح دو حوزه علمیه کوثر قزوین.

مقدمه

در منابع اسلامی شکر را این گونه معرفی کرده اند؛ ثناگویی و سپاس گزاری بر زبان آوردن الفاظ نیست؛ بلکه شکر گویی مرحله ای بالاتر و رتبه ای ژرف تر دارد. انسان شاکر در فیض هستی و سرچشمه رحمت و نعمت الهی تفکر می کند و از رهگذر این اندیشه به باوری می رسد که رشته هستی او را به طور عینی و عملی به بارگاه پروردگار ربط می دهد چنین تفکر و باوری موجب می شود که انسان حتی لحظه ای از عمر خود را تباه نسازد و اوقات گران بهای خویش را به عبث نگذراند و از تلاش در جهت تزکیه و سبقت در تحصیل خیرات و کمالات دست برندارد و برای نیل به مکارم و فضایل اهتمام ورزد. با توجه به اینکه اسلام برای تمامی حالات بندگان دستورات و برنامه هایی دارد این سوال پیش می آید شکر الهی در آیات و روایات چگونه مطرح شده است و انسان برای انجام آن به چه چیزهایی باید توجه کند؟

شکر مراتب و درجاتی دارد، شکر به قلب و اعماق روح و روان و تذکر به آنچه عطا شده است، جاری ساختن بر زبان و ثناگویی منعم، بروز شکر به جوارح و اعضا به نحوی که انسان در حد توان بتواند از قوای خود در جهت مصالح و اموری که رضایت الهی در آن نهفته است اقدام نماید.

هدف از این تحقیق تبیین شکر، مراتب و آثار شکر در اسلام است؛ در این نوشتار سعی شده تا علاوه بر بیان مفهوم و حقیقت شکر بخشی از آیات و روایاتی که در این باره مطرح شده است بیان شود که در نگارش آن از منابع روایی و تفسیری چون میزان الحکمه و اصول کافی و کتب اخلاقی هم چون شکر از دیدگاه قرآن کریم نوشته علی اصغر حسینی و شکر در آینه وحی نوشته غلامعلی نعیم آبادی استفاده شده است.

مفهوم شکر

انسان عاقل با دقت در جهان هستی پی می برد که هرچه هست از الطاف غنی مطلق است و آن را برای هدف مطلوب آفریده و لازمه عاقل بودن انسان آن است که تمامی نعمت ها را از سوی آن

کمال مطلق دانسته و هیچ چیزی را از خود و دیگر موجودات مانند خود ندانسته و آن را تنها برای حق تعالی اظهار نماید و شکرش را به جای آورد.

تشکر و سپاس در مقابل نعمت‌ها یکی از خصائص برجسته انسان و از کمالات عالییه او محسوب می‌شود؛ بر این اساس هر اندازه نعمت بیشتر و بالاتر باشد به همان اندازه شکر و سپاس در مقابل آن از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد. هیچ موجودی بیش از خداوند متعال نعمت‌هایش را به انسان ارزانی نداشته و در مقابل آن چیزی که از انسان خواسته شکر و قدردانی از این نعمت‌هاست.

در قرآن مجید به این موضوع به حدی اهمیت داده شده است که خداوند متعال در ۷۵ آیه از قرآن از کلمه شکر و ماده‌ی آن به الفاظ مختلف نام برده است و در هفت مورد آن خداوند بندگان خود را به طور واضح و روشن امر به شکر نموده است.^۱

در بسیاری موارد الفاظی مانند مدح و حمد در کنار شکر قرار می‌گیرد، ولی باید دقت کرد که شکر اظهار نعمت و از مدح و حمد خاص‌تر است. در لغت عرب این سه واژه گاهی به جای یکدیگر به کار می‌روند؛ لذا برای کاربرد صحیح هر کدام باید به معنای هر سه کلمه توجه نمود:^۲

مدح: ستایش چیزی نسبت به کمالی است که دارد؛ خواه این ستایش به خاطر عملی نیک و آگاهانه باشد و یا به خاطر صفتی که شخص یا شی دارای آن وصف هیچ گونه اختیاری در داشتن یا نداشتن آن دارا نبوده است.^۳

حمد: ستایش چیزی در برابر کمال آن است؛ به بیان دیگر به معنی ستایش کردن موجودی که به صورت آگاهانه و از روی اختیار کار نیکی انجام داده باشد.^۴

۱. تحریری، منتخبین زیارت امین الله، ص ۲۳۷.

۲. حسینی، شکر از دیدگاه قرآن کریم، ص ۹.

۳. همان، ص ۱۰.

۴. همان، ص ۱۱.

برخی لغت شناسان در مقام فرق میان حمد و مدح گفته‌اند که حمد اخصّ از مدح است؛ زیرا مدح مربوط به صفت اختیاری و غیر اختیاری می‌شود ولی حمد تنها مربوط به صفت اختیاری است.

شکر: به معنی سپاس‌گزاری است که همیشه در برابر نیکی و احسان دیگران صورت می‌گیرد و در بسیاری از موارد با حمد به یک معنی به کار می‌رود؛ ولی شکر به هر نوع سپاس‌گزاری اطلاق می‌گردد خواه با زبان و گفتار باشد و یا عمل و کردار؛ حتی به سپاس‌گزاری قلبی که در ظاهر هم ابراز و اظهار نشود، شکر گفته می‌شود.^۱

لازم به ذکر است که برای مفهوم شکر معانی بسیاری ارائه شده که بیشتر این تعاریف از نظر معنا شبیه به هم هستند لذا برای روشن‌تر شدن آن برخی از این تعاریف را در این جا ذکر می‌شود:

- شکر؛ یعنی اندیشه درباره‌ی اینکه هر نعمتی برای چه هدفی از طرف خداوند به بنده عطا شده است تا آن را در مورد خودش صرف کند؛

- شکر در علم عرفا اظهار نعمت به واسطه‌ی اعتراف قلب و زبان است؛

- شکر یعنی شناسایی بخشنده نعمت، که سبب پیدا شدن حالت خضوع در نفس و به‌کاربردن نعمت در راهی که منعم خواسته است، می‌شود؛

- و ...^۲

بنابراین با توجه به آیه ۵۳ سوره نحل که می‌فرماید: «و هر نعمتی که دارید از خداست»؛ هر نعمتی که به انسان برسد از جانب خداوند است، بر این اساس برای شکرگزاری هیچ‌کس شایسته‌تر از خداوند نیست؛ از همین‌رو عقل انسان او را به سپاس‌گزاری از ولی نعمت خود دعوت می‌کند. در این زمینه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«حتی اگر خداوند به نافرمانی‌اش هم بیم نمی‌داد باز واجب بود به خاطر سپاس‌گزاری از

نعمت‌هایش نافرمانی نشود».^۳

۱. حسینی، شکر از دیدگاه قرآن کریم، ص ۱۱.

۲. گوهری، شکر در قرآن روایات و نهج البلاغه، ص ۹.

۳. محمدی ری شهری، منتخب نهج الذکر، ص ۲۸۶-۲۸۵.

۴. همان.

حقیقت شکر

پس از روشن شدن معنای شکر معلوم می‌شود هر مقدار آگاهی انسان نسبت به نعمت‌های خداوند بیشتر باشد محدوده‌ی شکر برایش وسیع‌تر خواهد بود؛ بنا بر این هر چه از عقل بیشتری برخوردار باشد و از حیوانات بیشتر فاصله بگیرد حمد و شکر زبانی و عملی او نسبت به خداوند متعال افزون‌تر می‌گردد و هر چه به مرز حیوانیت نزدیک‌تر باشد از حمد و شکر او کاسته می‌شود.

با یک دید کلی شکر به دو مرتبه تقسیم می‌شود:

اول: شکر ظاهری (توجه سطحی به نعمت‌های ظاهری در اطراف خود)؛ ادای این گونه شکر به این معنی است که این نعمت‌ها در معصیت خداوند مصرف نشود، چنانچه امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «شکر نعمت دوری از محرمات است»^۱.

دوم شکر باطنی؛ که با توجه عمیق به نعمت‌های الهی در جهان هستی حاصل می‌شود و پی‌بردن به هر نعمتی، شکر مناسب با آن را می‌خواهد.

اگر ایمان انسان قوی باشد حتی نسبت به آن مشکلاتی که گرفتار آن‌ها است، خداوند را شکر می‌کند چون آن‌ها را به خداوند حکیم منتسب می‌داند که به حتم مصلحتی در نظر داشته که به این مصیبت مبتلا کرده است.

با این دیدگاه اگر خداوند به انسان نعمتی عطا کند و او آن را به خداوند منتسب دانسته و به لوازمش عمل نماید به عقب گرد مبتلا نمی‌شود.^۲

پس از اینکه روشن شد شکرگزاری دارای مرحله‌ی ظاهر و باطن است، معلوم می‌شود شکر همان ستایش حق تعالی به جهت کمالی است که از او ظهور کرده هر چند به واسطه‌ی امور یا وسایط فیض الهی بوده است، بنا بر این کسی که خداوند را بر نعمتش ستایش کند، پس او را شکر کرده از این

۱. کلینی، الکافی، ص ۲۸۰.

۲. دیلمی، ارشادالقلوب، ص ۵۱.

است که توجّه به نعمت‌های الهی، زمانی موجب پاکی دل و روح می‌گردد که همراه با توجّه به آفریننده آن خیرات و بخشنده آن مواهب بوده است که این توجّه موجب تقویت روحیه سپاس‌گزاری شده و دل و روح را صفا می‌بخشد اما اگر انسان راه ناسپاسی و کفران درپیش گیرد، روح و اندیشه او روز به روز تیره‌تر خواهد شد و خصائص عالی انسانی که هر یک از آنها از ودایع بزرگ الهی است لکه‌دار خواهد شد؛ بنابراین پاکی دل و روح یکی دیگر از آثار شکر است.^۱

قرآن کریم با اشاره به مواهب طبیعی گوناگون و لزوم شکرگزاری از این نعمت‌ها، توجّه آدمی را به مبدأ آفرینش و پروردگار هستی بخش جلب نموده و او را به سوی ایمان و اعتقاد به خدا راهنمایی می‌نماید و در سوره نساء با اشاره به اینکه عذاب آخرت در انتظار کسانی است که ایمان نمی‌آورند و ناسپاسی می‌کنند آمده است او چرا شما را عذاب کند اگر شکرگزار باشید و ایمان آورید. نحوه بیان جمله (إن شکرتم و آمنتم) در این آیه شریفه اشاره به نقش شکر در رسیدن به ایمان می‌نماید، چنانکه نویسنده تفسیر روح المعانی در تفسیر این آیه می‌نویسد شکر راه رسیدن به ایمان است. گذشت که در آیه ۲۱ سوره بقره آمده:

«ای مردم! پروردگار خود را که شما را آفریده است عبادت کنید».

یعنی آن قدرتی که توان آفریدن دارد و شما را آفریده و از نیستی به جهان هستی آورده است سزاوار آن است که شما نیز به شکرانه این نعمت و نعمت‌های دیگرش که در اختیار شما قرار داده است به او ایمان آورید و او را بپرستید و از او اطاعت نموده و او را عبادت نمایید.^۲

نکته‌ای که باید در سوره نساء به آن توجّه شود این است که مرحله شکر، قبل از ایمان است؛ یعنی اگر شکرگزاری کنید و در نتیجه شکرگزاری مؤمن بشوید، چرا خداوند شما را عذاب کند؟ جالب است که «ما یفعل الله بعذابکم» بعد از آیاتی است که علیه نفاق است. مسلم است این شکری که می‌گوییم: شکر الله بعد از ایمان است و قهراً کسی که مؤمن است می‌گوید: شکر الله؛ اما این چه

۱. حسینی، شکر از دیدگاه قرآن کریم، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۵۰.

شکری است که قبل از ایمان است؟ «ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم» نه اینکه «إن آمنتم و شكرتم» پس وقتی ترتیب شکر و ایمان به این شکل است روشن می‌شود که شکر قبل از ایمان است و یا به تعبیر دیگر شکر زمینه‌ساز ایمان است.^۱

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه اصلی پرستش، بندگی و عبادت باید سپاس نعمت‌های الهی باشد همان طور که خدای متعال خطاب به پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید:

« خدا را عبادت کن و از سپاس‌گزاران باش ».^۲

زیرا شکر نعمت انگیزه توجّه به مقام ربوبیت و زمینه ساز عمل به وظیفه بندگی بر می‌انگیزد.

نتیجه

انسان مؤمن هنگام بهره‌مندی از نعمت‌ها نباید از عطا کننده آن غافل شود تا از شکر آن بازماند هم‌چنین باید توجّه داشته باشد که نعمت‌های الهی به امور ظاهری محدود نیست بلکه سرپای وجود انسان را فراگرفته است و اگر شکر آن‌ها را به‌جا آورد حداقل نتیجه‌ای که برایش دارد این است که خداوند بر نعماتش می‌افزاید و اگر کفران کند محروم شده و در فراقش به اندوه و عذاب مبتلا می‌شود. هم‌چنین سپاس‌گزاری در برابر نعمات سبب می‌شود که خداوند نیز شاکر بنده خود شود، البته شکر الهی از بنده آثار غیرقابل تصوّر دارد.

لازمه شکر نعمت‌ها؛ رساندن آن‌ها به مستحقین آن نعمت‌هاست. هم‌چنین نسبت به نعمت‌های الهی مغرور نشدن و درخواست از خداوند متعال برای اینکه نفس آدمی را شاکر نعمت‌های فاضله‌اش قرار دهد، در غیر این صورت نفس انسانی به سوی کفران نعمت و غفلت از حق تعالی سوق دارد و شیطان نیز با وسوسه آن را تقویت کرده و از چهار جهت به طرف انسان می‌آید همان‌طور که خودش به خداوند عرض می‌کند بیشتر ایشان را شکرگزار نمی‌یابی.

گاهی نیز انسان در سختی قرار می‌گیرد و با خود عهد می‌کند اگر نجات یابد از شاکرین شود، اما همین که نجات می‌یابد غفلت او را فراگرفته، به دنبال شرک و ارتباط استقلال گونه با اشیا می‌رود.

۱. نعیم آبادی، شکر در آینه وحی، ص ۲۵.

۲. زمر: ۶۶.

بنا بر این بنده نسبت به شکر نعمت‌های الهی باید خود را قاصر بدانند و در پیشگاه حق تعالی به عجز از حق شکرش اقرار کند و هرگاه او را شکر می‌کند الهام شکر را نیز از او بداند تا از طغیان و خودبینی محفوظ باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای.
- الحسین بن موسی، ابوالحسن محمد بن ، نهج البلاغه، تصحیح صالح صبحی، قم: الهجره، بی تا.

منابع فارسی

۱. تحریری، محمدباقر، اخلاق اجتماعی، قم: هاجر، چاپ اول، ۱۳۹۶ ه.ش.
۲. -----، منتخبین زیارت امین الله، مترجم: حمید رضا شیخی، قم: نشر حر، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه.ش.
۳. حسینی، علی اصغر، شکر از دیدگاه قرآن کریم، قم: نشر حبیب، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ ه.ش.
۴. دیلمی، ابی محمدحسن بن محمد، ارشاد القلوب، بیروت: موسسه الاعلمی، چاپ چهارم، ۱۳۹۸ ه.ق.
۵. زایری، غیاث الدین، اسرار خوراکی‌ها، تهران: امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۵۴ ه.ش.
۶. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
۷. غزالی طوسی، ابوحامد محمد، کیمیای سعادت، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۹ ه.ش.

۸. قمی، شیخ عباس، **منتهی الامال**، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ قدیم، بی تا.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ هـ.ق.
۱۰. گوهری، اسماعیل، **شکر در قرآن و روایات ونهج البلاغه**، تهران: نشرکعبه، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، **منتخب نهج الذکر**، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۱۲. -----، **میزان الحکمه**، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۱۳. نعیم آبادی، غلامعلی، **شکر در آینه وحی**، قم: انتشارات ارم، چاپ سوم، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۱۴. نوری، مهدی، **رشد و تکامل شخصیت**، کرج: چاپ کلمه، چاپ اول، ۱۳۶۸ هـ.ش.

منابع عربی

۱. انصاری، مرتضی، **مکاسب**، تبریز: نشر هادی، چاپ قدیم، ۱۳۷۵ هـ.ق.
۲. حر عاملی، محمد ابن حسن، **وسائل الشیعه**، تصحیح و تحقیق: عبدالرحیم شیرازی، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۳. خمینی، روح الله (امام)، **تحریر الوسیله**، نجف: مطبله الآداب، ۱۳۹۰ هـ.ق.
۴. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران: دارالکتب اسلامیه، بی تا.
۵. طبرسی، رضی الدین ابی نصر حسن بن فضل، **مکارم الاخلاق**، بیروت: موسسه الاعلمی، چاپ ششم، ۱۳۹۲ هـ.ق.

۶. طبرسی، علی، **مشکاه الانوار**، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۱۸هـ.ق.
۷. فیروز آبادی، مجدالدین محمد ابن یعقوب، **قاموس المحيط**، بیروت: دارالمیل، بی تا.
۸. نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ م.
۹. نوری، میرزا حسن، **مستدرک الوسائل**، تهران: مکتبه الاسلامیه، بی تا.